



Shaere.ir

«کمی آرام تر باران»

به اجابتِ

دستانِ کدام عاشق

اینگونه میباری آسمان؟



به رغبتِ

کدام چشمان منتظر

بهانه میشوید ابرها؟

به حرمتِ

کدام خاطره ی از یاد رفته

به درو دیوار و

پنجره میکوبی باران؟

هیس

کمی آرامتر

شاید زنی

در کنج اتاقی

خودش را به خواب زده

تا نشنود تورا

تا نشکند بغض های هماغوش

با باور فراموشی بیهوده

...در شر شر های بی امانت

خودت خوب میدانی

حتی اگر سیل هم شوی

محال است

خاطرات خیس بارانی را

از حافظه ی برگها بشویی...



هیس کمی آرامتر باران...

ستاره فرخی نژاد^۱



^۱ شعر از ستاره فرخی نژاد